

درآمدی بر برخی از مهم‌ترین روش‌های قرآن‌پژوهی مستشرقان (با تأکید بر حوزه ایالات متحده آمریکا)*

- سیدحسین علوی^۱
- محمدجواد اسکندارلو^۲
- محمدحسن زمانی^۳

چکیده

بررسی روش‌های مورد استفاده قرآن‌پژوهان غیر مسلمان یا به اصطلاح مستشرقان قرآن‌پژوه، از جدیدترین موضوعات درخور توجه در مطالعات قرآنی است. در این تحقیق تلاش شده تا برخی از مهم‌ترین روش‌های قرآن‌پژوهی مستشرقان، هرچند به صورت مختصر، کشف، تبیین و تحلیل شود. روش‌های قرآن‌پژوهی مستشرقان، ضمن تأثیرپذیری از پارادایم‌های فکری - علمی رایج در غرب و نقد کتاب مقدس، متنوع است که مهم‌ترین آن‌ها، یعنی روش نقد متنی و روش نقد ادبی، از زیرروش‌های نقد تاریخی به معنای عام آن، روش نقد پدیدارشناسانه و روش نقد تطبیقی مدّ نظر این تحقیق است. برونداد آن نیز این

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه (hosainalawi@yahoo.com).

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) (mj_eskandarlo@miu.ac.ir).

۳. استادیار جامعه المصطفی العالمیه (mhzamani@yahoo.com).

بوده که این روش‌ها غالباً همان نگاه عهدینی را بدون توجه به تفاوت‌های ماهوی و زمینه‌ای قرآن و حیانی با متون عهدین تحریف شده، به قرآن کریم داشته‌اند و قرآن را به مثابه متنی بشری تلقی کرده و روش‌های سازگار با جهان‌بینی مادی و خاص متون بشری را بر آن تحمیل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، روش نقد تاریخی، روش پدیدارشناسی، روش تطبیق و مقایسه، روش‌های قرآن‌پژوهی مستشرقان.

۱. درآمد

الف) شرق‌شناسی

در تعریف اصطلاح شرق‌شناسی اختلاف است. لغت‌نامه دهخدا در تعریف خاورشناسی چنین آورده است:

«خاورشناسی به رشته‌ای از معارف بشری اطلاق می‌شود که بحث از زبان، علم و ادب ملل خاور می‌کند» (دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل «خاورشناسی»).

ادوارد سعید که نامش در بحث استشراق و شرق‌شناسی شهره است (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۴۰۷-۴۰۵)، بیان می‌کند که اصطلاح شرق‌شناس، نه فقط دانشمندان غربی، بلکه هر شخصی را که در پی شناخت شرق باشد، شامل می‌شود. در تبیین آکادمیک این واژه باید گفت که هر کس درباره شرق درس می‌دهد، مطلب می‌نویسد یا تحقیق می‌کند، چه آن فرد یک انسان‌شناس، جامعه‌شناس، مورخ و یا زبان‌شناس باشد، شرق‌شناس یا مستشرق است و کاری که انجام می‌دهد، شرق‌شناسی نامیده می‌شود (Said, 2003: 2).

اصطلاح شرق‌شناسی در جوامع اسلامی، دارای معنای خاصی است که در حقیقت به بخشی از شرق‌شناسی عام، یعنی اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی غیر مسلمانان اشاره دارد (زمانی، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۹؛ شریفی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۸) که همین معنای اخیر، مدنظر این تحقیق است.

ب) روش

روش تحقیق در اصطلاح، ابزار و تکنیک‌هایی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل، یا ارائه قاعده‌مند داده‌ها در تحقیقات علمی یا پژوهشی است. گرچه همیشه مجالی برای

ابتکار وجود دارد، با وجود این، این فرایندها یا تکنیک‌ها به طور معمول از یک برنامه یا یک طرح پیروی می‌کنند (Stausberg & Engler, 2011: 5).

نکته‌ای که در مورد روش‌ها نباید فراموش شود این است که هیچ وقت نباید تلقی شود که یک روش خاص وجود دارد که موفقیت را تضمین می‌کند، یا اینکه به کار بستن یک روش، ضامن موفقیت است، یا اینکه روش‌ها فراتر از نقد هستند، یا اینکه روش‌های علمی تثبیت شده تنها راه کسب دانش هستند و مجالی برای ظهور یک روش علمی جدید نیست (Ibid.: 4-5).

پیرامون روش‌هایی که قرآن‌پژوهان غیر مسلمان در مطالعات خویش به کار بسته‌اند، بحث علمی مفیدی صورت نگرفته و آنچه در اینجا ارائه می‌شود، برخی از روش‌های پرکاربرد و شایع میان آن‌هاست. مهم‌ترین این روش‌ها عبارت‌اند از: ۱- روش نقد تاریخی به معنای عام آن، که عمدتاً در گستره نقد کتاب مقدس رشد و تکامل یافته و سپس به حوزه مطالعات اسلامی و قرآنی راه یافته است؛ ۲- روش پدیدارشناسی یا پدیدارشناسانه؛ ۳- روش تطبیق و مقایسه.

۲. روش نقد تاریخی

روش نقد تاریخی، یکی از با سابقه‌ترین و گسترده‌ترین روش‌های مورد استفاده به‌ویژه در مطالعات متون دینی محسوب می‌شود. ریشه‌های نقد تاریخی به دوره رنسانس یا نوزایی (سده‌های ۱۵ و ۱۶ م.) می‌رسد و پیوسته در حال تغییر و دگرگونی و بهسازی بوده است. این روش در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی بالیده و در سده‌های ۱۹ و ۲۰ به اوج قدرت‌نمایی خود رسیده است (Fitzmyer, 1989: 246-247).

در تعریف این روش و گستره آن اختلاف است. با این حال، روش نقد تاریخی برآمده از نقد تاریخی عهدین در غرب، یک متن را از پنج حیث بررسی و نقد می‌کند: ۱. نقد سند متن، ۲. نقد ادبی، ۳. نقد محتوایی متن، ۴. نقد شکل متن، و ۵. نقد به وجودآورنده متن. به عبارتی، نقد نخست از سند متن و صحت نسبت آن می‌پرسد. نقد دوم می‌پرسد که پدیدآورنده، متن را از کجا آورده و از کجا نقل کرده است. نقد سوم می‌پرسد که محتوای متن تا چه اندازه با توجه به داده‌های علمی، فلسفی، تاریخی و... صحیح

است. نقد چهارم از سبک و اسلوب متن می‌پرسد و نقد پنجم از مؤلف، اوضاع و احوال او و زمانه وی پرسش می‌کند (جلیلی سنزیقی، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۶). نقطه اشتراک این زیرروش‌ها، توافقی کلی است مبنی بر اینکه متون باید با توجه به شرایط تاریخی خود، یعنی در پرتو سنت‌ها و قراردادهای ادبی و فرهنگی زمان خودشان تفسیر شوند (Collins, 2005: 4).

زیرروش‌هایی که در دامن نقد تاریخی به ویژه در حوزه نقد متون عهدینی، شکل گرفته و بر قضاوت تاریخی ناقد درباره یک متن تأثیرگذارند، عبارت‌اند از:

۱- نقد متنی یا نسخه‌شناختی^۱ که مانند اصل روش نقد تاریخی بیشتر مبتنی بر فیلولوژی کلاسیک یا همان زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی است و به بررسی موضوع انتقال متن کتاب مقدس به زبان اصلی‌اش و نسخه‌های باستانی و نیز ترجمه‌ها و تفاسیر مربوط به آن می‌پردازد (Ibid.) که در ادامه مقاله به صورت مستقل بحث خواهد شد.

۲- نقد منبع^۲ که به دنبال مشخص کردن پیشینه تاریخی و منابع احتمالی متن یا اثر و بررسی آن‌هاست (Fitzmyer, 1989: 250-1).

۳- نقد ادبی یا نقد سبک‌شناختی^۳؛ این روش که شاخه‌ای از اصل نقد تاریخی کتاب مقدس است، به سرشت و ویژگی‌ها و انواع سبک‌های ادبی یک متن می‌پردازد. به عبارت دیگر، محتوای متن یا اثر را به لحاظ ساختار یا طرح کلی آن، سبک و فرم ادبی آن، مورد تحلیل قرار می‌دهد (Fitzmyer, 1989: 250) تا شواهدی را درباره تاریخ جمع‌آوری، نویسنده و کاربرد گونه‌های مختلف نوشته‌های متن به دست آورد. مشخص کردن نوع متن از نظر ادبی، مقدمه تفسیر و برداشت از متن است و به روشن شدن اموری از قبیل نویسنده، تاریخ نگارش و الحاقی بودن اجزایی از متن کمک می‌کند (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۳-۱۰۴).

۴- نقد فرمی یا شکلی^۴؛ از نگاه استفاده‌کنندگان این روش، هر متن به ویژه متون

1. Textual criticism.

2. Source criticism.

3. Literary criticism.

4. Form criticism.

ادبی، از اجزایی از قبیل داستان، موعظه، مثل، مناجات، دعا و... تشکیل شده است که ابتدا در تحلیلی ادبی، بخش‌های یک متن معین می‌شوند، سپس با استفاده از تحلیل تاریخی، بستری که هر بخش، برای مثال یک داستان، در آن به وجود آمده و سیری را که طی کرده تا به شکل نهایی برسد، بررسی می‌شود. کل این فرایند را که ترکیبی از تحلیل ادبی و تاریخی است، نقد شکلی می‌نامند (همان: ۱۰۴).

شاید مهم‌ترین تفاوت روش‌های نقد ادبی و نقد شکلی، در این باشد که در نقد ادبی و سبک‌شناختی، محقق علاوه بر نگاه بیرونی به شکل و ساختار اثر، به محتوا و مطالب درونی اثر هم توجه و نظر دارد. آثار جان ونزبرو به ویژه کتاب *مطالعات قرآنی* وی را می‌توان یکی از نمونه‌های کاربست تلفیقی این دو روش تلقی کرد که ذیل عنوان روش نقد ادبی، به گونه‌ای مستقل پرداخته خواهد شد.

۵- نقد اصلاحی یا ویرایشی؛^۱ این روش نقدی در باب متون دینی، بر دو اصل اولیه مبتنی است: نخست، مؤلفان متون دینی بر اساس اعتقادات خاص خود به بازسازی دیده‌ها و شنیده‌هایشان دست زده‌اند؛ دوم، این متون، نمایانگر فضا و زمینه خاص جامعه دینی عصر تدوین و شکل‌گیری خویش‌اند. یافته‌های نقد ویرایشی در تعیین اصالت متن و تاریخ‌گذاری ظهور و تکامل آن و نیز قضاوت تاریخی فرد درباره اثر مذکور مؤثرند (پیترز، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

به طور خلاصه می‌توان گفت که در تحلیل و نقد تاریخی، روزگار مؤلف و تاریخ نگارش متن، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی پیدایش آن، زمینه‌ها و ریشه‌های اندیشه یا مکتب فکری مؤلف، منابع احتمالی متن و مواردی از این دست، مورد بررسی قرار می‌گیرد و محتوای متن نیز در چهارچوب تاریخ، جامعه و سیاست حاکم بر زمان و مکان پیدایش متن بررسی شده و نهایتاً در ساختاری تکامل‌نگرانه -اصلاح و تکامل تدریجی متن در بستر تاریخ- تحلیل می‌شود. در این روش، متن محصولی کاملاً تاریخی در نظر گرفته می‌شود که با بررسی و تحلیل زمینه‌های زمانی و مکانی آن می‌توان محتوای آن را هم تحلیل کرد (عمادی حائری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۴؛ دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۷۴).

از میان زیرروش‌های فوق، دو مورد، یعنی روش نقد متنی و روش نقد ادبی، به دلیل اهتمام بیشتر مستشرقان به آن‌ها و کاربستشان در مطالعات قرآنی، در اینجا تبیین می‌شود.

۱-۲. روش نقد متنی

روش نقد متنی یا نسخه‌شناختی،^۱ که به بررسی موضوع انتقال متن کتاب مقدس به زبان اصلی‌اش و نسخه‌های باستانی و نیز ترجمه‌ها و تفاسیر مربوط به آن می‌پردازد (Ibid.)، یکی از شایع‌ترین تحلیل‌ها در نقد تاریخی به ویژه در باب متون مقدس است. به لحاظ تاریخی، این نقد بخشی از نقادی کتاب مقدس است و وظیفه دارد که نسخه‌های موجود یک متن، ترجمه‌ها یا تفسیرهای مختلف آن را شناسایی کند و از مقایسه و بررسی آن‌ها با یکدیگر و با کاربرد شیوه‌های جدید، حتی الامکان متن اصلی یا معتبرتر را بشناسد. با وجود بازگشت اصل نقد تاریخی کتاب مقدس به سده‌های گذشته (حداقل سده هجدهم)، نقد متنی یا نسخه‌شناختی یک مطالعه علمی جدید است (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

در باب رابطه و تفکیک روش نقد تاریخی و نقد متنی در میان اندیشمندان غربی، نوعی تحیر و سردرگمی مشاهده می‌شود؛ از یک سو نقد متنی به مثابه زیرمجموعه نقد تاریخی تلقی شده و از سوی دیگر، برخی نیز ظاهراً تحلیل و نقد متن را اصل گرفته و دیگر روش‌ها از جمله، تحلیل و نقد تاریخی و نیز تحلیل پدیدارشناسی را زیرمجموعه تحلیل محتوای متن دانسته‌اند (عمادی حائری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۴) و یا این روش نقد را مرکب از چند روش دیگر دانسته و به همین جهت برخی شکل عام این روش را «روش التقاط‌گرایی منطقی»^۲ نامیده‌اند (Small, 2011: 5). برخی نیز در تعریف نقد متنی گفته‌اند: علم و هنری که بر اساس عقل سلیم و کاربست منطق، در پی آن است تا معتبرترین شکل واژه‌پردازی یک متن را مشخص و معین کند (Wegner, 2006: 24). اما به نظر جیمز بلَمی،^۳ ساده‌ترین تعریف برای نقد متنی، تعریف آن به اصلاح خطاهای

1. Textual criticism.
2. The method of reasoned eclecticism.
3. James A. Bellamy (1925-2015).

متون است (Bellamy, 2006: 237).

به هرحال، ردیابی و بررسی تاریخ انتقال متون و شناسایی تحریفات و اصلاحات وارده بر یک متن از طریق مقایسه نسخه‌های مختلف آن، می‌تواند با قصد و هدف بازسازی متن اصلی، منتج به تولید و تدوین یک نسخه انتقادی از متن مذکور شود. در آن صورت متنی به خواننده ارائه خواهد شد که از تمام تحریفات و اعوجاج‌های انجام‌شده توسط مستسخان و نیز افزوده‌های بعدی پالایش شده است (Stausberg & Engler, 2011: 349). در کنار بازیابی و بازسازی متن اصلی، کاوش و تبیین توسعه تاریخی متن مورد نظر را می‌توان به عنوان دومین هدف نقد متنی ذکر کرد (Small, 2011: 161).

۱-۱-۲. روش نقد متنی و قرآن

در میان قرآن‌پژوهان غربی افرادی مانند ریچارد بل از این روش در مطالعات قرآنی بهره برده‌اند (سعید، ۱۳۹۷: ۱۵۳-۱۵۴). اما صریح‌ترین و جدیدترین اثر شاید کتاب *نقد متنی و نسخ خطی قرآن*^۱ اثر کیث اسمال^۲، محقق بریتانیایی باشد که نیازمند مطالعه و بررسی جدی و دقیق از سوی اندیشمندان مسلمان است؛ زیرا به زعم برخی از محققان مسلمان، رگه‌هایی از نگاه جدلی و صلیبی در آرای اسمال مشهود است (Cf. Ameri, 2013: 174-202). در میان محققان آمریکایی نیز می‌توان به جیمز پلمی اشاره نمود. وی کتاب مستقلی در این زمینه ندارد و از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۲ با تکیه بر روش تحلیل متن، در مقالاتی به مواردی از این به اصطلاح تغییرات متنی قرآن اشاره و تصحیحاتی را پیشنهاد کرده است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱: ۳۶۱). مهم‌ترین مقاله وی در این زمینه با عنوان «نقد متنی قرآن» است که در *دائرةالمعارف قرآن* به سرویراستاری خانم مک‌اولیف به چاپ رسیده است (Bellamy, 2006: 237-252).

بلمی بیان می‌کند که اندیشمندان ادبیات باستانی، فرایند نقد متنی را به سه مرحله تقسیم کرده‌اند: ۱- دستیابی به یک متن اولیه و مبنا قرار دادن آن؛ ۲- ارزیابی آن متن^۳

1. *Textual Criticism and Qur'ān Manuscripts*.

2. Keith E. Small.

3. Recension.

4. Examination.

تا مشخص شود که آیا این بهترین نسخه موجود از آن اثر هست یا خیر، و اگر هست، اشکال‌ها و خطاهایش کجاست؛ ۳- اصلاح اشتباهات و خطاهای آن.^۱ اگر کار به خوبی انجام شود، نتیجه باید دستیابی به نسخه‌ای اصلاح شده باشد که به اثر اصلی نویسنده نزدیک‌تر است (Ibid.: 237).

وی می‌گوید از آنجا که نسخه استاندارد مصری قرآن (۱۹۲۴ م.) بسیار خوب تدوین شده و نیز به دلیل نارسایی نسخ خطی به جامانده از قرآن در تدوین نسخه مقدماتی، نیازی به تهیه چنین نسخه‌ای از متن قرآنی نیست و ما همان نسخه را مبنا قرار می‌دهیم (Ibid.).

درباره درستی و مقبول بودن مرحله سوم، یعنی فرایند اصلاح خطاهای موجود در متن، در اینجا در مورد متن قرآن، وی وجود چند شرط را ضروری می‌داند: ۱- به لحاظ معنایی، مورد اصلاحی پیشنهاد شده باید معنای متن مذکور را بهتر از قبل برساند؛ ۲- مورد اصلاح شده باید با سبک قرآن هماهنگ باشد؛ ۳- باید از جهت رسم الخط و کتیبه‌شناسی نیز قابل توجیه باشد؛ ۴- باید توان نشان دادن چگونگی وقوع انحراف و خطای اولیه در متن را داشته باشد. از میان موارد فوق، مهم‌ترین آن‌ها معیار معناشناختی است (Ibid.: 239).

۲-۱-۲. بررسی

۱. به اذعان خود آن‌ها، این روش نقد تا کنون درباره متون دینی نتیجه عملی اطمینان‌بخشی نداشته است؛ یعنی این ایده در عمل فقط می‌تواند به طور تقریبی عملی باشد. حتی متون عهد جدید که بسیار بهتر از دیگر متون کهن ثبت و مستند شده‌اند (دارای بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی است) و بیشتر از هر متن دیگر متعلق به دوران باستان متأخر در معرض تحقیقات نقد متنی بوده‌اند، هنوز هم با اطمینان کامل قابل بازسازی و احیا نیستند (Stausberg & Engler, 2011: 349).

۲. یکی از شروط اصلی برای اجرای نقد متنی، آشنایی ناقد با زبان اصلی متن مذکور به گونه‌ای است که بتواند از حیث لغت‌شناسی، تفسیری صحیح و به لحاظ زبان‌شناختی

1. Emendation.

نیز درکی معقول و مفید از متن و محتویات آن داشته باشد. در این گونه تحقیقات علمی نمی‌توان ترجمه‌های آن متن را هرچند مفید و راهگشایند، به عنوان شاهد و مدرک مورد استناد قرار داد (Ibid.: 351). حال سؤال این است که چه تعداد از قرآن‌پژوهان غیر مسلمان فعال در این زمینه، دارای چنین شرطی هستند؟

۳. در نقد متنی نیز زاویه نگاه‌ها متفاوت است که بعضاً یک نگاه خاص از سوی دیگران مورد نقد و تخطئه قرار می‌گیرد؛ برای نمونه، جیمز بلمی درباره نحوه ورود امثال بارث، بلاشر و بل به نقد متنی قرآن می‌گوید روش کار آن‌ها ارزیابی روابط درونی سوره‌ها و نیز انفصالات احتمالی آن‌ها و کشف افزوده‌های احتمالی به متن اصلی بوده است. پیش‌فرض اصلی آن‌ها نیز مبتنی بر تغییر و دگرگونی نظم و ترتیب اصلی کلمات، عبارات و آیات قرآن بوده است (Bellamy, 2006: 240). سپس در نقد آن‌ها بیان می‌کند که این گونه افراد در تحصیل شرط چهارم پذیرفته‌شده در اصلاح متن، یعنی تبیین منشأ وقوع خطا یا انحراف، دچار مشکل می‌شوند (Ibid.). از یک‌سو، نمی‌توانند ادعا کنند که کار خود پیامبر ﷺ بوده است، زیرا این یعنی معناداری آیات قرآن برای پیامبر ﷺ اهمیت نداشته که ادعایی غیر قابل پذیرش است؛ از سوی دیگر، حضور توأمان نقل شفاهی و مکتوب قرآن، مانعی بر وقوع این گونه تغییرات و جابه‌جایی‌های گسترده است که خود، ادعای وقوع آن‌ها بعد از پیامبر ﷺ را نیز دچار مشکل می‌کند (Ibid.: 240-241).

۴. بسیاری از موارد ادعایی از سوی مدعیان وقوع انحراف و خطای متنی در قرآن، از سوی اندیشمندان مسلمان بررسی شده و پاسخ داده شده‌اند. از باب نمونه، برخی موارد اصلاحی بلمی، مانند واژه «حَصَب» در آیه ۹۸ سوره انبیاء که بلمی اصل آن را «حَطَب» دانسته که کاتبان و مستنسخان «الف» حرف «ط» را فراموش کرده‌اند و لذا تبدیل به «صاد» شده است (Ibid.: 241). این ادعای بلمی بر خلاف منابع تفسیری و لغوی کهن عربی مبنی بر وجود واژه «حَصَب» در زبان عربی به معانی سنگ، سنگی که پرتاب می‌شود، هیزم در معنای کلی آن، هیزم یا هر چیز دیگری که در آتش افکنده می‌شود

۱. «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ»؛ در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم جهنم هستید؛ در حالی که شما واردشدگان در آن هستید.

تا آتش را شعله‌ورتر کند، است (فرزانه، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۹۹). مورد دیگر، واژه «سَجَل» در آیه ۱۰۴ سوره انبیاست^۱ که بلمی «مُسَجَل» را پیشنهاد داده (Bellamy, 2006: 242) که این ادعای اصلاحی وی ضمن بررسی مردود شناخته شده است (فقهی‌زاده و امامی دانالو، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۲۸). همچنین واژه «رَقِیم» در آیه نهم سوره کهف^۲ که بلمی آن را به صورت «رَقُود» اصلاح کرده (Bellamy, 2006: 251) نیز مورد پذیرش واقع نشده و نقد شده است (اسکندرلو و امیری، ۱۳۹۰: ۹۷-۱۲۶).

۲-۲. نقد ادبی یا سبک‌شناختی

مطالعه و بررسی بافت تاریخی اثر به منظور درک و تبیین خاستگاه مکانی و زمانی آن، یکی از اهداف اصلی روش نقد تاریخی است. اما جریان جدیدی از تاریخ‌گرایی که غالباً متأثر از پست‌مدرنیسم بوده نیز وجود دارد که بر خلاف تمرکز بر بافت تاریخی متن، بافت ادبی آن را مدنظر قرار داده است. این جریان بر خلاف اکثر محققان غربی که به رغم تلاش برای به چالش کشیدن اعتبار جنبه‌هایی از دیدگاه و روایت سنتی مسلمانان درباره قرآن، کلیت آن را معتبر می‌دانستند، ضمن تلاش در بازخوانی جنبه‌های بنیادین و تمامیت روایت اسلامی، اصالت تاریخی آثار اسلامی را صراحتاً مورد تشکیک و تردید قرار می‌دهد.

پیشگام این جریان در نیمه دوم سده بیستم، جان ونزبرو، مدعی است که بیشتر روایات و آثار اسلامی مرتبط با جمع قرآن در طول قرن دوم هجری ساخته و پرداخته شده‌اند (سعید، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰). به ادعای ونزبرو، قرآن تا حدود ۱۵۰ سال پس از وفات پیامبر ﷺ کامل نشد و روایات سنتی مسلمانان پیرامون جمع قرآن «تاریخ نجات» اسلامی است که به دست مسلمانان بعدی، یعنی دوران بنی‌امیه (۴۱-۱۳۲ ق.)، ساخته و پرداخته شده است (Wansbrough, 2004: 43-50, 202). علت اصلی و بنیادی این ادعای

۱. «يَوْمَ تَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجَلِ لَلْكَتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعِندًا عَلَيْنَا إِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ»؛ [همان] روزی که آسمان را همچون پیچیدن طومارنامه‌ها درمی‌نوردیم؛ همان گونه که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم. [این] وعده‌ای است بر عهده ما؛ قطعاً ما [آن را] انجام می‌دهیم.

۲. «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»؛ آیا پنداشتی که «اصحاب کهف و رقیم» [یاران غار و صاحبان نوشته]، از نشانه‌های [معجزه‌آسای] شگفت‌آور ما بودند؟!؛

ونزبرو مبتنی بر این استدلال بود که هیچ سند مکتوبی در ارتباط با مفهوم اسلام یا جمع قرآن به عنوان یک متن، تا پیش از اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری وجود ندارد (Ibid.: 33-50).

ونزبرو در مقدمه کتاب *مطالعات قرآنی* مدعی می‌شود که به رغم انجام تحقیقات فراوان درباره قرآن، این کتاب نسبت به کاربست روش‌های نقد عهدینی هنوز ناشناخته است. ضمن تلقی قرآن به مثابه نماینده گونه ادبیات سنتی مسلمانان، می‌توانیم آن را در معرض تحلیل ادبی و ساختاری قرار دهیم (Ibid.: xxi). وی تاریخ مکتوب صدر اسلام را «تاریخ نجات» خوانده (Ibid.: xxiii; Id., 1978: ix) و در کتاب *محیط فرقه‌ای*^۱ که مکمل اثبات فرضیه‌هایش در کتاب قبلی اوست، به نوعی بیان می‌کند که هدف اصلی وی از تحلیل ادبی متون اسلامی، ترسیم تاریخ نجات اسلامی است (Id., 1978: ix).

برخی از شاگردان ونزبرو، از جمله کرون و کوک، احتمال پیوند قرآن با یهودیت را مطرح کردند و در کتاب *هاجریسیم*، ساخت جهان اسلام را به فرقه‌ای از یهودیت، یعنی هاجریون منتسب کردند و مدعی شدند که آغاز گردآوری قرآن، در زمان حکمرانی حجاج و در عراق، حدود سال ۸۵ ق. بوده است (Crone & Cook, 1977: 18). کار این دو نفر، هم به لحاظ روشی و هم محتوایی مورد انتقاد مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین نقدها، تکیه همه‌جانبه ایشان بر منابع متخاصم بوده است (سعید، ۱۳۹۷: ۱۵۰، به نقل از: Lester, Toby, *What is the Koran?*, p. 46). این نقدها تا آنجا پیش رفت که حتی استاد آن‌ها، جان ونزبرو، هم فرضیات روش‌شناختی کرون و کوک را مورد نقد قرار داد (Wansbrough, 1978: 155-156). در میان غیر مسلمانان، بیش از همه استفن همفریز^۲ بود که این کتاب را به خاطر «استفاده (یا سوءاستفاده) از منابع یونانی و سریانی» مورد انتقاد قرار داد (Humphreys, 1991: 85).

۱-۲-۲. بررسی

روش نقد ادبی یا سبک‌شناختی، یکی از زیرروش‌های نقد تاریخی و نیز از یکی

1. *The Sectarial Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History.*

2. R. Stephen Humphreys.

روش‌های مورد استفاده در نقد کتاب مقدس است که عمدتاً از سوی جریان شک‌گرایان دربارهٔ متون اسلامی از جمله قرآن، به کار بسته شده است. پیشگام این جریان در دورهٔ اخیر، جان ونزبرو است.

۱. یکی از چالش‌های حل‌نشدهٔ این روش، اعتبار استنتاج‌های تاریخی آن است. شاید به همین دلیل است که ونزبرو مدعی است در پی «بازسازی تاریخ» نیست و تحلیل‌های خود را سبک‌شناختی می‌نامد و تأکید می‌کند که این تحلیل‌ها، استنتاجات دقیقاً تاریخی در پی ندارد. وی همچنین در اینکه از تحلیل ادبی بتوان به آنچه «واقعاً روی داده» پی برد، تردید دارد و بر این نکته اصرار می‌ورزد که ثمره و نتیجهٔ تحلیل منابع، تنها برای تحلیل بهتر و دقیق‌تر منابع، ارزشمند است نه برای امر کاملاً متفاوت شرح «آنچه واقعاً روی داده» است (Wansbrough, 1977: xxi; Id., 1978: xixi). به رغم این همه تأکید، او بارها مجبور به استنتاج تاریخی شده و مدعی می‌شود که «فلان اتفاق» اصلاً روی نداده یا به گونه‌ای غیر از آنچه مسلمانان یا سایر پژوهشگران باور دارند، روی داده است (نیل‌ساز، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۵۸). در اینکه آیا با استناد به تحلیل ادبی صرف می‌توان نتایج ملموس تاریخی به دست آورد یا نه، اشکال وجود دارد؛ زیرا نتایج تحلیل ادبی این قابلیت را دارند که با توجه به پیش‌فرض‌های فرد، به گونه‌های مختلف و متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند. درست از همین جهت است که این روش و استنتاج‌های تاریخی برآمده از این روش، از سوی برخی از دیگر مستشرقان نیز مورد نقادی قرار گرفته است (همو، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۵؛ پویازاده و پیروان، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۶)؛ از جمله ویلیام گراهام^۱ برخی فرضیات و نتایج ونزبرو را به دلیل ابتدائی بر تحلیل ادبی صرف، غیر قابل پذیرش می‌داند (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۳۳-۲۳۴).

۲. در روش نقد تاریخی، اکثر منتقدان توجه به بافت تاریخی دارند، در حالی که شک‌گرایانی مانند ونزبرو، به بافت ادبی متن توجه کرده‌اند. داور این موضوع را مورد توجه قرار داده و نقص روشی این جریان را این گونه بیان کرده است:

«از زمان آغاز تحقیقات جدی دربارهٔ قرآن در غرب، مطالب «عهدینی» قرآن توجه بسیاری از پژوهشگران را جلب کرده و این امید همچنان جدی است که بررسی دقیق

1. William A. Graham.

آیه‌های قرآنی مرتبط با عهدین بتواند یاریگر ما حداقل در ترسیم بافت ادبی قرآن، یعنی وابستگی و رابطه آن با دیگر متون سنت یهودی - مسیحی باشد. تلاش‌ها برای مشخص و معین کردن اینکه کدام یک از مطالب ادبی اولیه (عهدینی) ممکن است نزدیک‌ترین رابطه را با قرآن داشته باشد، تا کنون بی‌نتیجه بوده است. در هر صورت، حتی اگر قادر بودیم که بافت ادبی قرآن را به روشنی مشخص کنیم، چنین امری لزوماً به ما نمی‌گفت که بافت تاریخی آن چه بوده است» (Donner, 2011: 25-26).

۳. از دیگر چالش‌های روشی این جریان، نوعی تناقض‌نمایی است؛ زیرا آن‌ها مدعی‌اند که منابع موجود اسلامی، یک تصویر کاملاً ویرایش‌شده و در نتیجه اشتباه را از خاستگاه‌های اسلام به ما ارائه می‌دهد؛ زیرا تمام مدارک معتبر مربوط به ماهیت واقعی آن از سنت پاک شده است (Crone, 2003: 7). این یعنی، این رویکرد از ما می‌خواهد که به دلیل عدم بقای مدارک، تعبداً بپذیریم که خاستگاه‌های واقعی اسلام غیر از آن چیزی است که توسط سنت اسلامی ترسیم شده است (Donner, 1998: 26). به عبارت دیگر، آن‌ها سنت، مدارک و منابع اسلامی را به دلیل غیر تاریخی بودن و تعبدی بودنش رد می‌کنند و در همان حال از ما می‌خواهند که این ادعای بدون دلیل آن‌ها را تعبداً بپذیریم!

۴. ادعای اقتباس قرآن و عدم اعتبار تاریخی آن که جزء فرضیه‌های اصلی ونزبرو است (گراهام، ۱۳۹۱: ۲۳۳-۲۳۴)، از سوی دیگر محققان غربی مورد نقد قرار گرفته و رد شده است. خانم والدمن^۱ این باور را که روایت‌های قرآنی باید به عنوان ویرایش‌ها یا نسخه‌های متأخر یا اخذشده از روایت‌های اصلی عهدینی ملاحظه شوند، رد می‌کند. او استدلال می‌کند که پیام الهیاتی و ویژگی‌های ادبی قرآن، چنان در نوع خود متمایزند که مطالب «عهدینی» آن نمی‌توانند به طور صحیح و به تمام معنا به عنوان «عهدینی» توصیف شوند (Reynolds, 2017: 317).

۵. از دیگر نقدهای وارده بر این جریان، نقدی است که به پس‌زمینه‌های فکری غالب افراد آن، یعنی تأثیرپذیری از اندیشه پست‌مدرنیسم مربوط می‌شود (ریپین، ۱۳۹۱: ۲۴۷-۲۴۸؛ خضری و بایرام، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۰). مهم‌ترین نقد بر پست‌مدرنیسم در غرب این است

که نسبت گرابی مطلوب پست مدرنیسم است و نتیجه آن نیز پوچ گرابی در اخلاقیات و معرفت‌شناسی و شناخت است (Gellner, 1992: 22-39). به همین دلیل، مهم‌ترین ناقد پست مدرنیسم، یورگن هابرماس،^۱ پست مدرنیسم را پروژه‌ای ناقص و نظریه‌های آن را ضد روشنگری و حتی فاشیستی توصیف می‌کند (Olsson, 2008: 658).

۳. روش پدیدارشناسی

اصطلاح پدیدارشناسی^۲ از نظر هوسرل،^۳ توصیف، اکتشاف و تجزیه و تحلیل پدیدارهاست. در واقع پدیدارشناسی، هم توضیح ذهن است و هم توضیح و تفسیر محتوا و موضوع ذهن، خواه آن موضوع وجود واقعی داشته و موافق با دنیای خارج باشد و خواه وجود واقعی نداشته و موافق با دنیای خارج نباشد (بودلایی، ۱۳۹۵: ۱۵). در کاربست پدیدارشناسی دربارهٔ متون می‌توان گفت که تحلیل پدیدارشناختی می‌کوشد ورای تبیین تاریخی و با بررسی دقیق ویژگی‌های خود متن، به تحلیل آن بپردازد (عمادی حائری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۴).

۳-۱. اصول پدیدارشناسی

هرچند اصطلاح پدیدارشناسی پیش از ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸ م.) به کار رفته است، اما پدیدارشناسی به مثابهٔ یک روش، محصول دستگاه فلسفی هوسرل است که به عنوان نظریهٔ روش شناخت پدیدارها، مبتنی بر سه اصل است (همان):

۱. تعلیق و تردید در هر پیش‌فرض و خودداری از هر گونه حکم در باب پدیدار؛ در واقع، اولین و مهم‌ترین مفهوم در پدیدارشناسی، مفهوم تعلیق یا اپوخه^۴ است. در مجموع، منظور از تعلیق یا اپوخه، خودداری از حکم و داوری و نیز پرهیز از دخالت دادن تجارب و نگرش پیشین خود است (بودلایی، ۱۳۹۵: ۱۸-۲۴؛ عمادی حائری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۴).

۲. تحویل پدیدار به داده‌هایی که در تجربهٔ آگاهی ما ظهور یافته‌اند و ما بدان

1. Jurgen Habermas.
2. Phenomenology.
3. Edmund Husserl (1859-1938).
4. Epoche/ epoché.

التفات یافته‌ایم و معنابخشی بدان از این طریق (همان).

۳. تشارک اذهان در مواجهه با پدیدار که مایهٔ همدلی انسان‌ها در یک عالم واحد است. در پدیدارشناسی برای دسترسی به تجربهٔ یک فرهنگ بیگانه یا دیگری، همدلی با آن فرهنگ از اهمیت بالایی برخوردار است (بودلایی، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶).

توضیح اینکه ایدهٔ اصلی پدیدارشناسی هوسرلی یا کلاسیک، بازگشت به خود پدیدار و توصیف و تحلیل آن تنها با شهود پدیدار است. تعلیق (یا اپوخه)، پدیدار را از هر باور و اعتقاد و پیش‌فرضی بر کنار می‌دارد و پدیدارشناس تنها به توصیف پدیده بسنده می‌کند. این توصیف با تحویل ذاتی پدیدار در آگاهی همراه می‌شود و زمینه را برای تبیین و طبقه‌بندی آن فراهم می‌آورد و همدلی انسانی نیز فهم پدیدار را ممکن می‌سازد. بر این اساس، اگر چنین روشی را در تحلیل یک متن و مفاهیم و محتوای آن به کار ببندیم، می‌توان گفت که تحلیل پدیدارشناختی یک متن، آن را از تاریخ و تحلیل تاریخی، جامعه‌شناختی، سیاسی و روان‌شناختی صرف آن جدا می‌کند و با گذر از زمانه و زمینهٔ ظهور و رشد و افول و لوازم فرهنگی، دینی و جامعه‌شناختی آن، همراهی و همدلی با مدعیات خود متن یا مؤلف را برای فهم آن لازم می‌شمارد (عمادی حائری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۴).

۲-۳. پدیدارشناسی و قرآن‌پژوهی

در میان مستشرقان، افراد برجسته‌ای اقدام به کاربست این روش در تحقیقات خویش نموده‌اند که خانم مک‌اولیف^۱، والتر واگنر^۲ و مایکل سلز^۳ از آن جمله‌اند (Bazzano, 2016: 86-90).

خانم مک‌اولیف در اغلب آثارش به نوعی از روش پدیدارشناسی، البته به گونه‌ای که با روش نقد تاریخی و روش‌های هرمنوتیکی تلفیق شده و به کاربست روش میان‌رشته‌ای متمایل شده، استفاده می‌کند. این روش را در *دائرةالمعارف قرآن* که سرویراستاری‌اش را عهده‌دار بوده نیز اعمال کرده است (کشیک‌نویس رضوی، ۱۳۹۰: به ویژه

1. Jane D. McAuliffe.
2. Walter H. Wagner.
3. Michael Sells.

فصل چهارم، ص ۸۶ به بعد). مایکل سلز نیز در کتاب *رهیافتی به آیات دوران اولیه قرآن*^۱ تا حدودی مبتنی بر روش پدیدارشناسانه بحث می‌کند.

والتر واگنر در کتاب *درآمدی به قرآن: معرفی کتاب مقدس اسلام*^۲ ضمن کاربست روش پدیدارشناسانه، تقریباً در مسیر خوانش کلی مسلمانان از قرآن حرکت می‌کند. به همین ترتیب، افرادی مانند کارل دابلیو. ارنست، فرد مک گرو دانر، خانم تامارا سون و برخی دیگر، هر کدام به نوعی در زمره استفاده‌کنندگان از روش پدیدارشناسی و یا روش‌های میان‌رشته‌ای که یک وجه غالب آن نگاه پدیدارشناسانه است، قرار می‌گیرند. در اینجا اشاره‌ای مختصر به روش خانم مریلین رابینسون والدمن^۳ می‌شود که روش مورد استفاده در آثار وی را می‌توان پدیدارشناسی، البته به تعبیر دقیق‌تر پدیدارشناسی تطبیقی دانست که با قریحه‌ای تاریخی انجام یافته است. این مطلب در مهم‌ترین اثر منسوب به وی در موضوع اسلام و قرآن، کتاب *نبوت و قدرت: محمد ﷺ و قرآن در پرتو مقایسه*^۴ که بعد از وفات وی از سوی شاگردان و همکارانش تکمیل و به نام وی انتشار یافت، قابل مشاهده است؛ زیرا خانم والدمن بیش از آنکه مشخصاً به بیان چیستی موضوع مورد مطالعه‌اش پردازد و یا اصالت و اعتبارش را مورد قضاوت قرار دهد، راه‌ها و طرق مختلف فهم و درک یک متن و یا موضوع خاص را، البته غالباً در قالب روش مقایسه‌ای و تطبیقی، تبیین می‌کند. وی این روش را هم در بحث قرآنی انجام داده و هم در بحث نبوت پیامبر اکرم ﷺ از آن بهره برده است. در بحث قرآنی مقایسه داستان یوسف عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن و کتاب مقدس به ویژه عهد عتیق، بسیار کار جالبی است و در آنجا به سبک و سیاق خاص داستان‌پردازی قرآن که مطابق با هدف اصلی اوست، به خوبی اشاره شده است و با این کار به نوعی به پندار اقتباس قرآن از کتاب‌های پیشین اشکال کرده است (Waldman, 1985: 1-13). به باور وی، پیام الهیاتی و ویژگی‌های ادبی قرآن چنان در نوع خود متمایزند که مطالب «عهدین» آن نمی‌توانند به طور

1. *Approaching the Quran: The Early Revelations.*
2. *Opening the Qur'an: Introducing Islam's Holy Book.*
3. Marilyn Robinson Waldman (1943-1996).
4. *Prophecy and Power: Muhammad and the Qur'an in the Light of Comparison.*

صحیح و به تمام معنا به عنوان «عهدینی» توصیف شوند (Reynolds, 2017: 318).
 وی قرآن را به عنوان نخستین بازتاب‌دهندهٔ حیات پیامبر ﷺ فرض می‌کند و در
 حقیقت قرآن را مقارن و معاصر پیامبر ﷺ می‌داند (Waldman, 2012: 47). که به لحاظ
 رویکردی، قرآن را دارای اعتبار و ارزش تاریخی قرار می‌دهد.
 کاربست این روش را می‌توان در دیگر آثار خانم والدمن پیرامون معناشناسی واژگان
 قرآن و سیر تطور تاریخی - قرآنی آن نیز مشاهده کرد که بررسی وی از سیر تطور واژه
 «کفر» در قرآن کریم یکی از آن موارد است (Id., 1968: 442-455).

۳-۳. بررسی

روش پدیدارشناسی به رغم دارا بودن نقاط قوت، با چالش‌هایی نیز مواجه است:

۱. مهم‌ترین چالش و مشکل متوجه اولین و مهم‌ترین اصل پدیدارشناسی، یعنی تعلیق یا اپوخه پیش‌فرض‌ها و داوری‌هاست؛ زیرا بحث و اختلاف است که در چه زمانی و در کدام مرحله باید اپوخه کرد و چه کسی باید در اپوخه کردن شرکت کند؛ پژوهشگر، شرکت‌کننده در توصیف تجربهٔ پدیده یا هر دو طرف می‌باید در فرایند تعلیق و اپوخه مشارکت نمایند (بودلایی، ۱۳۹۵: ۷۹ به بعد).
۲. مشکل دیگر، ابهام در مفهوم پدیدارشناسی به ویژه پدیدارشناسی دین است که این ابهام، ناشی از اطلاق‌های مختلف و نیز ابهام در کاربردهای متنوع و سلیقه‌ای پدیدارشناسی است که این مشکل، برخی را بر آن داشته تا پدیدارشناسی را رویکرد یا روی آورد بدانند تا یک روش (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ۳۲۰-۳۲۷).
۳. اشکال دیگر بر روش پدیدارشناسی، ناکارآمدی و عدم موفقیت آن در درمان تحویلی‌نگری^۱ است؛ معضلی که این روش عمدتاً برای علاج آن شکل گرفت، ولی خود به نوعی در گردابش فرو رفت (همان: ۳۸۶-۳۸۷).

۱. تحویلی‌نگری (Reductionism) یا انحصارگرایی روش‌شناختی را به رغم تعریف‌ها و تبیین‌های مختلف آن می‌توان تعریف و تبیین یک پدیده صرفاً بر مبنای یکی از عناصر، مبانی، لوازم و آثار آن پدیده، کاهش و تحلیل آن به یکی از امور یادشده دانست (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ۳۲۹؛ فرامرز قراملکی و سیاری، ۱۳۸۸: ۶).

۴. روش تطبیق یا مقایسه

در روش نقد تطبیقی، دو مطلب اساسی وجود دارد که بیان‌کننده ماهیت و غرض این روش است: نخست، شناخت دو یا چند پدیدار یا دیدگاه است که هدف مطالعه تطبیقی‌اند. دوم فهم و تبیین مواضع اختلاف و تطابق آن‌هاست و از این جهت باید گفت که مطالعه تطبیقی یا مقایسه‌ای، چیزی جز توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق واقعی بین امور مورد مقایسه به منظور شناخت آن‌ها نیست (همان: ۲۹۴).

بنابراین روش مقایسه، روشی است که پژوهشگر با مقایسه بین دو یا چند پدیده، دیدگاه، یا عملکرد، به دنبال شناختی سالم و ژرف از موضوع می‌باشد. این روش در بررسی مکاتب و ادیان، استفاده‌های متنوعی دارد که مقایسه احکام و تعالیم یک دین با دیگر ادیان، مقایسه ایدئولوژی‌های ادیان، مقایسه معارف علمی و مضامین مطرح در ادیان و... از آن جمله‌اند (نوبری، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳).

در میان آثار خاورشناسان، کتاب‌هایی مانند *تورات، انجیل، قرآن و علم* اثر موریس بوکای فرانسوی، به منظور اثبات سازگاری قرآن با علم و در نتیجه برتری آن بر عهدین، و یا *القرآن و الكتاب* اثر یوسف دره حداد، برای اثبات اخذ قرآن از کتاب مقدس، نمونه‌هایی از کاربست این روش‌اند (همان: ۲۴).

در میان قرآن‌پژوهان آمریکایی می‌توان به آثار گابریل سعید رینولدز اشاره کرد. وی که به تبیین جایگاه قرآن در پرتو فرضیه محاوره و گفتمان قرآن با سنت‌های عهدینی معتقد است، در آثارش با استفاده از روش تطبیق و مقایسه بین آموزه‌های قرآنی و سنت‌های عهدینی، در پی برقراری نوعی تعامل میان آن‌هاست.

از میان آثار وی می‌توان به دو اثر در این زمینه اشاره نمود:

یکی *قرآن و زیرمتن عهدینی آن*^۱ است که در سال ۲۰۱۰ از سوی انتشارات راتلج نشر یافت. رینولدز استدلال می‌کند در حالی که هم سنت اسلامی و هم سنت دانش انتقادی، تمایل به تفکیک قرآن و کتاب مقدس دارند، قرآن خودش انتظار دارد مخاطبانش با ادبیات عهدینی آشنا بوده و این کتاب‌های مقدس در کنار هم مورد توجه

1. *Qur'ān and Its Biblical Subtext.*

قرار گیرند (2: Reynolds, 2010). وی در این اثر، سیزده نمونه از مضامین قرآنی را در پرتو گفتمان قرآنی با سنت‌های عهدینی مورد بررسی قرار می‌دهد (Ibid.: 39-199).

اثر دوم وی، *قرآن و کتاب مقدس: متن و تفسیر*^۱ است که در سال ۲۰۱۸ توسط انتشارات دانشگاه ییل منتشر شد. رینولدز در این اثر ضمن آوردن ترجمه انگلیسی کامل قرآن با ترجمه علی‌قلی قرائی، اقدام به تطبیق و مقایسه بسیاری از سوره‌ها و آیات با پس‌زمینه‌های عهدینی آن‌ها کرده است. وی تأکید دارد که حدود یک چهارم آیات قرآن، ارجاع به کتاب مقدس، شخصیت‌ها و داستان‌های یهودی و مسیحی می‌باشد و این گفتگوی قرآن با کتاب مقدس باید به عنوان یک منبع مهم برای درک نص قرآن مورد توجه قرار گیرد (Naqvi, 2018).

به باور وی، کتاب‌های مقدس و نیز سنت‌های ادیان ابراهیمی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، باید مرتبط و در تعامل با یکدیگر نگریسته شوند و ما نباید به سادگی به یک سنت یهودی - مسیحی بیندیشیم، بلکه ما با یک سنت یهودی - مسیحی - اسلامی مواجهیم (Reynolds, 2018).

۴-۱. بررسی

روش تطبیق و مقایسه نیز ابزاری تحقیقی است که مانند دیگر روش‌ها، دارای نقاط قوت و نیز نقایص خاص خود است:

۱. یکی از مهم‌ترین معضلات و مشکلات این روش، توقف در مقایسه پوسته ظاهری صورت و ساختار پدیدارها و عدم عبور از آن‌ها و در نتیجه عدم دستیابی به باطن و واقعیت آن‌هاست. نتیجه گرفتاری در این گرداب، چیزی جز عقیم‌سازی پژوهش و التقاط دیدگاه‌ها و درآمیختن مبانی مختلف در هم نیست (فرامرزی فراملکی، ۱۳۹۲: ۲۹۹-۳۰۰).

۲. نقص و مشکل دیگری که اغلب روش‌ها از جمله این روش، با آن مواجه است، بحث تعلق خاطر محقق به فرضیه تحقیقی (همان: ۳۰۲) و جزم‌اندیشی در پیش‌فرض‌های اعتقادی خویش است که همین امر می‌تواند سبب اصلی ظهور بسیاری از اختلاف

1. *The Qur'an and the Bible: Text and Commentary.*

دیدگاه‌ها و نتایج متناقض پژوهش‌های تطبیقی محسوب شود.

۳. شاید گرفتار شدن در همین معضلات پیش گفته، سبب شده که برخی نویسندگان مدخل‌های *دائرةالمعارف قرآن* لایدن، هنگام مقایسه قرآن و عهدین به نتایجی مانند: هم‌عرضی قرآن و عهدین (صرف‌نظر از مصونیت قرآن از تحریف و محرّف بودن متن عهدین) و بدتر از آن اثرپذیری قرآن از متون یهودی و مسیحی شوند (معارف، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۸)؛ در حالی که قرآن در عین تصدیق تورات و انجیل، خود را مهیمن بر کتاب‌های آسمانی می‌داند.^۱

نتیجه‌گیری

روش‌ها که برآمده از پارادایم‌های فکری و علمی مورد پذیرش محقق است، در برون‌داد تحقیق فرد بسیار تأثیرگذار است. روش‌های قرآن‌پژوهی مستشرقان نیز دقیقاً متأثر از پارادایم‌های فکری - علمی رایج در غرب است و این واقعیت در کاربست روش نقد تاریخی و زیرروش‌های آن مانند روش نقد متنی و روش نقد ادبی به خوبی نمایان است. علاوه بر این، کاربست این روش‌ها که غالباً در نقد عهدین آزموده و قبولانده شده، بدون توجه به تفاوت‌های قرآن کریم و حیانی با متون عهدین تحریف‌شده، مشکل دیگری است که در آثار شک‌گرایان به ویژه جان ونزبرو و شاگردانش مشهود است. فلسفه کاربردی برخی از این روش‌ها مانند نقد متنی، مبتنی بر وقوع تغییر و تحریف در متن است که با مسلمات اعتقادی و نیز دانش قرآنی مسلمانان سازگاری ندارد. روش‌های پدیدارشناسی و تطبیقی، به رغم مفید و مثمر بودنشان، نیازمند تأمل و تعمق بیشتر محققان اسلامی است؛ زیرا در این روش‌ها نیز رویکرد فکری و علمی محقق، تعلق خاطر به فرضیه تحقیقی و جزم‌اندیشی در پیش‌فرض‌های اعتقادی محقق و نیز توقف در تشابهات و اختلافات ظاهری و نتیجه‌گیری بر اساس آن، اشکالاتی است که در آثار خاورشناسان قابل ردگیری است.

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مانده / ۴۸)؛ و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست.

کتاب‌شناسی

۱. اسکندریلو، جواد، و محمدمقداد امیری، «بررسی مقاله الرقیم و الرقود»، نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، سال ششم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲. بودلایی، حسن، روش تحقیق پدیدارشناسی، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۵ ش.
۳. بوکای، موریس، تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۴. پیترز، فرانسیس ادوارد، «جست‌وجوی محمد تاریخی»، ترجمه و تلخیص سیده‌زهرا مبلغ، در: سیره پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع، تدوین و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۵. جلیلی سنزقی، سیدهدایت، پژوهش در تفسیر پژوهی قرآن: مطالعه الگوهای زرقانی، ذمبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی، تهران، سخن، ۱۳۹۱ ش.
۶. خضری، سیداحمدرضا، و مائده بایرام، «واکاوی نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در کتاب "تجارت مکه و ظهور اسلام"»، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سیزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱)، ۱۳۹۵ ش.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۸. دهقانی، رضا، «چیستی نقد تاریخی»، نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۹. رشیدیان، عبدالکریم، فرهنگ پیام‌دین، تهران، نی، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. ربیین، اندرو، «نکات روش شناختی درباره فصل چهارم کتاب مطالعات قرآنی»، در: زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران، هرمس، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. زمانی، محمدحسن، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان: تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. سعید، عبدالله، درآمدی به قرآن، ترجمه سعید شفیعی، تهران، حکمت، ۱۳۹۷ ش.
۱۳. سلیمانی، عبدالرحیم، «نقادی کتاب مقدس»، نشریه هفت آسمان، دوره دوم، شماره ۸، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. شریفی، علی، معناشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴ ش.
۱۵. عمادی حائری، سیدمحمد، «روش‌شناسی تحلیل متن ۴: تحلیل تاریخی - تحلیل پدیدارشناختی»، نشریه گزارش میراث، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۲-۱، فروردین و تیر ۱۳۹۲ ش.
۱۶. فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، چاپ ششم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. فرامرز قراملکی، احد، و سعیده سیاری، «تحویلی‌نگری در تعریف دین از دیدگاه دین‌پژوهان معاصر غرب (مطالعه پنج نظریه‌پرداز مؤثر)»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۸ ش.
۱۸. فرزانه، بابک، «حَصَبُ جَهَنَّمَ: بررسی معناشناختی واژه «حَصَب» در قرآن»، نشریه صحیفه مبین، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۱۹. فقهی‌زاده، عبدالهادی، و حسام امامی دانالو، «مُسَجَّل» پیشنهادی ناصحیح و غیر عالمانه»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.

۲۰. کریمی نیا، مرتضی، *زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی مستشرقان*، تهران، هرمس، ۱۳۹۱ ش.

۲۱. کشیک نویس رضوی، سیدکمال، *نقد روش شناسانه دائرةالمعارف قرآن لیدن: با تکیه بر آرای تفسیری علامه طباطبایی و شیخ شنقیطی*، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان، ۱۳۹۰ ش.

۲۲. گراهام، ویلیام، «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی»، در: *زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان*، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران، هرمس، ۱۳۹۱ ش.

۲۳. معارف، مجید، *شناخت قرآن: دفتر اول قرآن و خاورشناسان*، تهران، نیا، ۱۳۹۴ ش.

۲۴. نویری، علی رضا، «روش شناسی مستشرقان در تفسیر قرآن و بررسی سنت»، *نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان*، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.

۲۵. والدمن، مریلین، «ذهن بدوی / ذهن مدرن: نگرش هایی جدید به مسئله ای قدیم در اسلام»، ترجمه محمدحسین محمدپور، در: *نگرش هایی به اسلام در مطالعات ادیان*، ۱۳۹۶ ش.

26. Ameri, Sami, *Hunting for the Word of God: The quest for the original text of the New Testament and the Qur'an in light of textual and historical criticism*, Thoughts of Light Publishing, USA, 2013.

27. Bazzano, Elliott, "Normative Readings of the Qur'an: From the Pre-modern Middle East to the Modern West", *Journal of the American Academy of Religion*, Vol. 84, No. 1, March 2016.

28. Bellamy, James A., "Textual Criticism of the Qurān", *EQ*, Vol. 5, 2006.

29. Collins, John J., *The Bible after Babel: Historical Criticism in a Postmodern Age*, Michigan, Wm. B. Eerdmans Publishing Co., 2005.

30. Crone, Patricia, *Slaves on Horses: The evolution of the Islamic polity*, Cambridge University Press, 2003.

31. Crone, Patricia & Michael Cook, *Hagarism: The Making of the Islamic World*, Oxford, 1977.

32. Donner, Fred M., *Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing*, Princeton, NJ: The Darwin Press, Inc., 1998.

33. Id., "The Historian, the Believer, and the Quran", in: *New Perspectives on the Quran: The Quran in Its Historical Context 2*, Gabriel Said Reynolds (Ed.), Routledge, 2011.

34. Id., "The Qur'ān in Recent Scholarship: Challenges and Desiderata," in: *The Qurān in Its Historical Context*, Gabriel Said Reynolds (Ed.), Routledge, 2008.

35. Fitzmyer, Joseph A., "Historical Criticism: It's Role in Biblical Interpretation and Church Life", *Theological Studies* 50, 1989.

36. Gellner, Ernest, *Postmodernism, Reason and Religion*, Routledge, 1992.

37. Humphreys, R. Stephen, *Islamic History: A Framework for Inquiry*, Princeton University Press, 1991.

38. Naqvi, Ejaz, "A remarkable commentary on the Qur'an and the Bible", October 17,

- 2018, Available at: <<https://www.christiancentury.org/review/books/remarkable-commentary-qur-and-bible>>.
39. Olsson, Michael Russell, "Postmodernism", in: *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods*, Vol. 1&2, Lisa M. Given (Ed.), Sage Publications, Inc., 2008.
 40. Reynolds, Gabriel Said, "Biblical Background", in: *The Wiley Blackwell Companion to the Qur'ān*, 2nd Ed., Andrew Rippin & Jawid Mojaddedi (Eds.), John Wiley & Sons Ltd., 2017.
 41. Id., *Qur'ān and Its Biblical Subtext*, Routledge, 2010.
 42. Id., "Scholar Brings the Bible and the Qur'an in Conversation", Interview by: Hanna Clutterbuck-Cook, Jun 08, 2018, Available at: <<https://www.publishersweekly.com/pw/by-topic/industry-news/religion/article/77179-scholar-brings-the-bible-and-the-qur-an-in-conversation.htm>>.
 43. Said, Edward W., *Orientalism*, Penguin Group, 2003.
 44. Small, Keith E., *Textual Criticism and Qur'ān Manuscripts*, Lexington Books, 2011.
 45. Stausberg, Michael & Steven Engler, *The Routledge Handbook of Research Methods in the Study of Religion*, Routledge, 2011.
 46. Waldman, Marilyn Robinson, "New Approaches To 'Biblical' Materials In The Qur'an", *The Muslim World*, Vol. LXXV, No. 1, January 1985.
 47. Id., *Prophecy and Power: Muhammad and the Qur'an in the Light of Comparison*, Bruce B. Lawrence & Lindsay Jones & Robert M. Baum (Eds.), Comparative Islamic Studies Series, UK and Bristol, CT: Equinox Publishing Ltd., 2012.
 48. Id., "The Development of the Concept of Kufr in the Qur'ān", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 88, No. 3, Jul-Sep 1968.
 49. Wansbrough, John, *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, Amherst, New York, 2004.
 50. Id., "Review", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, Vol. 41, No. 1, 1978.
 51. Id., *The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History*, Oxford, 1978.
 52. Wegner, Paul D., *A Student's Guide to Textual Criticism of the Bible: Its History, Methods and Results*, Enter Varsity Press, Illinois, 2006.